



ناصر فکوهی  
fakouhi@yahoo.com

سید علی میر فتح  
mirfattah@yahoo.com

علم‌الهدی به نقل از اداره اماكن گفته است «از این روزها ورود زن‌ها به استیمنام‌هایی که برای فوتبال پخش می‌کنند، ممنوع است» البته اکادمی ملزم به بازگشت دلیل این تصمیمات نیست، اما آدم‌اگر خودش یک حساب دود، دوتا چهارتا را بکشد، می‌فهمد که دستور اماكن چندان هم دور از انتظار نبوده، وقتی قرار نیست زن‌ها به استادیوم‌های ورزشی بروند، منطقی است که به سینما هم نروند. یعنی آن چیزهایی که در استادیوم وجود دارد که مانع حضور نسوان می‌شود، به طریق اولی در سینما هم وجود دارد، ضمن آنکه سینما به چیزهایی که هم علاوه بر سازمان وجود دارد که ممنوعیت را تشدید می‌کند. منجمله همان تابلو است و سقف است و صحنه صندلی‌اش نرم‌تر و راحت‌تر است و از اینها مهم‌تر، از آن دید ناظر، از روی نیمکت تماشاچیان، باز یکتک فوتبال بازی پرسپکتیو می‌روند و به اندازه یک بند انگشت می‌شوند، در سینما به خاطر خاصیت بزرگنمایی، هر بازیکن به تنهایی می‌تواند تا حجم ۴۰ متر در ۲۰ متر عرض اندام کند و حواصا شده. آن‌ها این لباس نامناسب ورزشی‌شان را خودی این بماند که وجود توب به تنهایی این‌ها را در سینما در پیوباشاند. این‌ها شما ناراحت نمی‌شود که نوامیس‌تان توب به این حجم در حضور مردان اجنبی ببینند؟ از این گذشته همان حرف‌ها و شعارهایی که در استادیوم‌های حرفه‌ای می‌زنند و کلمات مانگویی (بلکه زیاد از حد حساس- زبان فارسی را به شکل همانی سر بران می‌زنند، در سینما هم قلم می‌زنند. نهایت فرقی اگر هست این است که هر حرفی در استادیوم به گوش داور و بازیکنان و مدیرها و نیمکت‌نشینان می‌رسد، اما در سینما جبهه به گوش خورشید که و گوش و خورشید از آن نظر شما چیزی نبودن که زن و شوهر دختران را از است. کلمات، چیزی به گوش‌شان بخورد؟ واقعا که شرم‌آور است. من اگر کارهای بودم تماشاى فوتبال را حتى در خفا و در كنج پستوها برای بانوان محترمه ممنوع اعلام می‌کردم. اصلا چه معنی دارد زن‌ها بدو بوبودن ۲۲ متر كنده را می‌رسند. از گل‌زن‌دانشان ابراز شادمانی كنند؟ يك ديگر توب را به دروازه يكي ديگر می‌فرستند. آن وقت سبستانگ ما بايد ذوق كنند و هورا بكشند؟ قبول كنيد كه طی ساليان اخير، آقايان قدری تزيين زلفی خود را از دست داده‌اند كه حواصا موقع تماشاى فوتبال راغي را بر زبان می‌گویند كه بايد عا كنده را شمع ۱۰ فرسخی‌شان چوبی كم‌رهمه و دوشیزه محترمه نباشد، چه برسد به اينكه پدر و پسر دست به دست هم می‌دهند و در حضور مادر و دختر، قولي تلپوزن ولو می‌شوند و بی‌باغي فيل را با طعم رهم و فلفل نمكي می‌خورند و هر چه را به دهان‌شان درآيد نثار داور و مربي و فروراور و فدراسيون و ای‌اف‌سی‌و... می‌كنند و هيچ ملاحظه حضور ناموس را هم كه نمی‌كنند. باز در حامت به لوطی‌های قدیم كه اگر توب ماشین ناموسی می‌دیدند، زيب دهان‌شان را می‌بستند. البته نوامیس هم خودشان يك اپرادی دارند كه انگار بدست نمی‌آيد در بعضی مجامع حضور به مرسداند. جلا بماند كه نگارنده همین چند وقت پیش، در يك منازعه خیابانی، از همین دعوای سر فرايكي، از بابویی مكرمه كلماتی شنید و اشارتی منوجه شد كه تا پشت گوش‌ش سرب ملخ به بنفش نشاند. تماشاخانه از اين قبيل جملات در شهر ما كم نيستند، كه اگر نبايد اينها جزو حضور در سينما و استادیوم را بگيرد، همانا بايد جلوی ورود آقايسرها را به آنجاها بگيريم... اينها را كه گفتم پيش خودتان نگه داريد تا ببينيد آقای سجادپور چه اظهاركردند: «خانم‌ها می‌توانند تشريف بياورند» سينما، اما معلوم ميشود پيشان فوتبال پخش كننده ظاهره مشكل اصلي اينجاست كه هنوز برای پخش فوتبال مجوز لازم را نگرفته‌اند. از كه نگرفته‌اند؟ رشاد هم مگر بايد مجوز بگيرد؟ حالا اصلا این زن‌ها چه برای اصرار برای رفتن به سينما؟ از اينها بگذريم، حالا كه اتوبوس و واگن مترو و پارک و شب شعر زنانه داريم، چرا سينماي زنانه با فوتبال زنانه نداشته باشيم؟ زيادی دارم حرف می‌زنم، نه؟

————— ادامه از صفحه اول —————

**حکمت سفیدمویان ۷۰ساله**

محافل علمی و آكادمیك رسمی كه آبخشورهای اجزای‌شان سیاست‌های دولت است، نمی‌توانند خارج از سیاست‌های موجود دست هرنندان با تفكری متفاوت و بفكراند ز از حضور آنها در دانشگاه‌ها و آژان‌ها و دانشگاهیان حمایت كنند. این نگرش سیاست‌زده، دو آسیب دیگر نیز می‌سازد؛ نژادگی و گریزان شدن هرنندان نسل قبل را فراهم آورده و زمینه را برای داوری‌های افروغی و فضا سازی‌های سیاسی مطابق نرخ روز برای افراد و فضا و كمپورم مساعد می‌كند. سیاست‌های رزومه در مقامی فرهنگی آنچنان آشفنگی به وجود می‌آورد كه گاه تفاوت دغ و دوشلب و مرز هرنمند و بی‌هنر به هم می‌ریزد. برای آنكه سبل جوان بدین راهی كه می‌رود سلب باید پیش داور می‌بوده‌اند كه روی همین خاك و مزبور همین احسان، چشم را از افق‌های معمول و را از راه‌های معبود فراتر برده و نتیجه تلاش‌شان اثری متفاوت از روند رایج فرهنگ و هنر آن زمان بوده علاوه بر گریز از سیاست‌زدگی نیازمند بستری مناسب در هرنندان دیدیها كه هسته‌های كیاستی، آغداشلو و احسانی و هرنندان دیگری كه توشه‌های جایی در تاریخ و فرصتی در زمان برای خود بسازند، حاصل نگرش آینه‌نگرانی دودهند كه به آنها فرصت و مجال روارویی با اندیشه‌های پیشینیان را فراهم كرده‌اند. تفاوت داشتن و خلق اثر متفاوت بدون پشتوانه آگاه‌پذیر نیست. هرنمند فراد را كیبی است از هنرجوی دیروز و هنرشناس امروز. اگر این فرصت امروز از نسل هرنجوی برای مواجهه با هرنندان دیروز دریغ شود، تنها حذف يك جریان نیست، بلكه محروم كردن نسلی است از تكیب بروز خلاقیت‌هایش. كیاستی، آغداشلو و احصایی، تركیب ذهن پرشنگر از هنر دیروز و تقلاي ریسین به پاسخی‌های مناسب به امروزند. آن پرسشی و این پاسخ نتیجه برخورد صریح و بی‌واسطه آنها با هرنندان نسل پیش است. برای نسل بعدی كه در راه است تا چه حد زمینه‌پرستاری از نسل قبل فراهم است؟ تقلا برای ریسین به پاسخ‌های تازه بدون بازگشت به كمت‌سفیدمویان ۷۰ ساله دست‌نزدانی نیست. نخواهد بود.